

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۹ شهریور ۱۳۶۳ برابر با ۳۱ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲۲

”هفته جنگ“ را به هفته مبارزه با جنگ تبدیل کنیم!

جنگ راکه کوس رسد و ایی آن دیگر بریالها نواخته شده، توجیه کنند، اظهارات سران رژیم در هفته های اخیر، حاکی از آنست که بعد از گذشت ۴ سال از جنگ بی فرجام، هنوز لشکرکشی رهبران جمهوری اسلامی فروکش نکرده است، و آنها همچنان در اندیشه فتوحات موهومی از طریق اقدامات دیوانه وار نظامی هستند. طرح ارتجاعی و خونریز “لیک یا خمینی” کماکان هزاران تن از کودکان بقیه در صفحه ۲

پنجمین سالروز آغاز جنگ خانمان سوز ایران و عراق نزدیک است. امسال نیز چون سالهای قبل، سردمداران رژیم ج ۱۰ می خواهند با اعلام و برگزاری “هفته جنگ”، از جنگ که همه جاد را نظر مردم جهان مغرور و مذموم است، تجلیل کنند. آنها “هفته جنگ” را فرصت مناسبی برای دیدن بازهم بیشتر در تنور جنگ و ویرانگری می دانند، تا بازهم سیاست ضد ملی، ضد مردمی، خائنانه و ابلهانه ادامه

بیان صریح يك تصمیم کهنه

پیرامون سیاست اقتصادی رژیم بیان گردید. سیاست اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی که در این ملاقات از سوی رهبری حاکمیت (با صراحتی بیش از گذشته) تبیین شد، در یک کلام چنین است: “همه چیز در خدمت سرمایه داران و تبار بزرگ” مضمون سخنان این بود که برای ترکانزی بخش خصوصی در تجارت هیچ

در روز یکشنبه هفته گذشته، رئیس جمهور نخست وزیر، هیات وزیران را با خود به همساران برده و “تیرک” بختیدند. فتاوی صادره در این “شرفیابی” اگرچه تازه نبود اما در میان رویدادهای این هفته، جای مهمی یافت. دستورالعملهایی که در این ملاقات صادر شد، تقریباً منحصر به مسایل اقتصادی مربوط بود و علی الظاهر بمنظور زدودن پاره ای شبهات

انفجار بمب در میدان راه آهن، بها نه ای دیگر برای توجیه گشتهای رنگارنگ خیابانی

در صفحه ۳

ساواک جمهوری اسلامی، عاقبتی به مراتب سیاهتر از ساواک شاهنشاهی خواهد داشت

که رای گیری حول ری شهری صرفا دارای یک جنبه تشریفاتی بوده است. وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی مدتهاست که پی ریزخته شده و ری شهری آنرا سرپرستی می نموده است. ری شهری در جریان محاکمه اعضای حزب توده ایران در سال گذشته نشان داد که کاملاً باب طبع رژیم است، و از همین رو این مسند به بقیه در صفحه ۹

بالاخره وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی صاحب وزیر شد. در تاریخ ۲۴ مرداد ماه، ری شهری با ۱۷۶ رای موافق، ۱۰ آرای مخالف و ۱۳ رای ممتنع رسماً بر کرسی ساواک جمهوری اسلامی تکیه زد. از مقایسه بخشهایی که حول این وزیر با بخشهایی که حول وزرای دیگر در مجلس در گرفت چنین بر می آید

یورش وسیع به خلق کرد و همدستی با رژیم دست نشاندۀ ترکیه

در صفحه ۳

راهپیمایی و جشن نیروهای صلح دوست در لس آنجلس زیر هزار تیغه خنجر

در صفحه ۶

هجوم بزرگ مالکان
و کلان سرمایه داران
و آغوش باز ج.ا.

در صفحه ۲

خاورمیانه: دیپلماتها یا ژنرالها؟

در صفحه ۴



در راهپیمایی و جشن ۵۰۰ تن شهرلس آنجلس که تحت عنوان “روزنا” برگزار شد و بیش از ۵۰۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، رفقای ما به همراه کمیته همبستگی با خلقهای ایران (در جنوب کالیفرنیا) - با برگزاری نمایشگاه و پخش اعلامیه افشاکری و سیعی در مورد رژیم جمهوری اسلامی و سیاست خائنانه آن مبنی بر تداوم جنگ با عراق به عمل آوردند.

در صفحه ۱۰

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

بیان صریح يك تصمیم کهنه

بیان تازه تصمیم کهنه (که از نظر صراحت کمی تاژگی دارد) از سوی پیام به طیف رنگارنگ دشمنان مردم بود. یکبار دیگر به آنها اعلام شد که آنچه که می‌خواهید، می‌کنیم، رژیم جمهوری اسلامی را از آن خود بدانید و یکپارچه تر در برابر مبارزه رو به گسترش مردم از آن پشتیبانی نمایید. ارزشی دیگر، در شرایطی که مقام فزاینده مردم، کار حکومت را برای مرمت همه نظام پیشین مشکل ترمی کند، شلاقی بود که برگرد به اسبان آرا به. به گل نشسته دولت فرو آمد تا بتواند بر مقام مردم چیره شده و نظام غارتگری بی بند و بار را گسترش دهد.

اما آنچه که بر تشمت و بحران در میان حاکمیت و درون طیف مرتجعین دامن زده است آنچه که آرا به حکومت را به گل نشاند است، ابهام در اهداف نبود که با این سخنان مرتفع شود. مدت‌هاست که همه دست‌اندرکاران می‌دانند چه می‌خواهند و چه می‌کنند. بحران و تشمت بخاطر راهی است که حکومت در پیش گرفته است و در این راه که دیگری بی‌بازگشت شده، از گسترش بحران گریزی نیست.

شده است. گوشه‌های فرشته عدالت جمهوری اسلامی (که حتی ظاهرش هم شباهتی به فرشته ندارد) تنها برای شنیدن "شکایات" دشمنان مردم علیه مردم بازمی‌شود. وزارت دولت توان خود را برای ایجاد چنان وضعیتی به کار گرفته، تا حتی سرمایه داران بزرگ فراری را هم به تأیید صلاحیت مرتجعین حاکم برای جانشینی شاه منفور و ادارت و به سرمایه‌داران و اموال سابق بازگرداند. دولت برای پاسخ‌دهی به حرص و آز بی حد کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان و تجار عمده بازار آنچه که توانسته کرده است.

اگر در "هفته دولت" کارنامه دولت موسوی در خدمت به دشمنان مردم، ارزیابی شود، مطمئناً بدون تجدیدی قبول می‌شود. کما اینکه هیات متحنین نمایندگان ارتجاع در مجلس، بهر صورت به آن نعره قبولی دادند. پس چه نیازی به تصریح مجدد اهداف حاکمیت برای قوه مجریه بود؟

بقیه از صفحه اول
محدوده ای نباید وجود داشته باشد. اگر سرزنش در این زمینه قوانین محدودکننده باقی‌مانده، باید از پیش پایشان برداشته شود. برای بخش خصوصی در عرصه تجارت هیچ مرزی ترسیم نشد. در عرصه مرز بخش دولتی رسم گردید. این مرز همان توانایی و امکانات تجار بزرگ است. بخش دولتی در تجارت تنها باید به عرصه‌هایی محدود شود که سرمایه‌گذاری در آن برای بخش خصوصی مقرون به صرفه نباشد. شرط اینکه لقب "دولت موفقی" باقی‌ماند، توفیق دولت در عمل در این راستا خواهد بود. عنایات میزد و له تنها شامل "تجارت مسلمان" که با پرداخت سهم امام و وجوه شرعی، سردمداران حاکمیت را "نمک گیر" کرده‌اند، نشده است. به دولت سرمایه داران یکبار دیگر تاکید شده که وظایف خود در قبال آنها، در همه عرصه‌ها باید عمل نماید. از این رو دولت موظف شد که اگر برای گستره فعالیت بخش خصوصی در صنعت، هنوز هم قید و بندی باقی است، آنرا رفع و رجوع نماید. محدود عمل بخش دولتی در این زمینه نیز توسط بخش خصوصی تعیین می‌شود. در این عرصه، گشاده دستی حاکمیت جمهوری اسلامی تنها به سرمایه داران و صاحبان صنایع "مسلمان" منحصر نمائند. به دولت یادآوری شد که برای ایجاد شرایط مورد نظر سرمایه داران فراری مقیم اروپا و آمریکا با شتاب بیشتری تدابیر مقتضی را اتخاذ نماید. تا به این ترتیب جمع مرتجعین جمع شود.

این سخنان، سخنان تازه نبود. مدت‌هاست که حدیث مکرر مسئولین حکومت شده است. هر یک از گردانندگان رژیم به اندازه وسع خود به آن پرداخته‌اند. در عمل نیز مدت‌هاست سرنیزه‌های گمشدگان و پاسداران رژیم در خدمت استرداد اموال کسانی قرارداد که انقلاب از آنها سلب مالکیت کرده بود. پس چه نیازی به تکرار مکررات کهنه برای وزیران جمهوری اسلامی بود؟ مگر کاری که همه آنها به آن مشغولند، چیزی جز اجرای رهنمودهای "تازه" است؟ وزارت - خانه‌های کشورهای روسکن و شهرسازی چه می‌کنند جز حفظ حریم حرمت زمین‌خواران زالوصفت؟ وزارتخانه‌های صنایع و صنایع سنگین در گزارش دستاوردهای خود، تعداد واحد های صنعتی که سرمایه داران بزرگ در صنعت در حال اجرا دارند را ردیف می‌کنند. وزارت اقتصاد و سیستم بانکی کشور اعتبارات و امکانات را برای سرمایه داران در طبق اخلاص می‌گذرانند. وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی مدت‌هاست دریافت کرده‌اند که آنچه بزرگ مالکان می‌خواهند چیست و جز در راه آن گامی بر نمی‌دارند. وزارت بازرگانی به نوکری جیره و مواجب (و یا باجیره و مواجب) تجار بزرگ تبدیل

هجوم بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و آغوش بلزج ۱.

روستاییان اجرای حکم به تعویق افتاد است.
● استر دادکارخانه البرز به صاحب قبلی آن در شرف انجام است.
● خسرو شاهی سرمایه دار معروف فراری، اقداماتی را برای پس گرفتن موسسات سابق خود، از جمله کارخانه تولید روغن آغاز کرده است. گویا دولت نیز علی‌الاصول با این کار موافق است مذاکرات جریان دارد.
● کارخانه چینی بهداشتی پارس (سازنده لوازم دستشویی، حمام و...) واقع در جاده قدیم تهران - قزوین به حاجی برخسور دار سرمایه دار بزرگ، برگردانده شد. مذاکره برای تحویل کارخانه کاشی پارس به همین شخص ادامه دارد.
● واحد تولیدی ایران سیلندر، اخیراً به بخش خصوصی واگذار شد.
● کاشانی مالک سابق کارخانه کاشی سعدی برای پس گرفتن آن در حال مذاکره با دولت می‌باشد. گویا دولت فعلاً او را دعوت به عضویت در هیات مدیره کارخانه کرده است. اما او نپذیرفته و مالکیت کامل را مطالبه می‌کند.
● آقای کشا و رزمین خوار بزرگ و مالک سابق قسمتی از اراضی سلیمانیه، بابت مصادره این اراضی، تقاضای ۳۰۰ میلیون ریال خسارت کرده است. دولت با پرداخت رقمی کمتر از این موافقت کرده است که زمین خوار مذکور رضایت نمی‌دهد.

غارتگرانی که به دنبال انقلاب از آنها سلب مالکیت شده بود دسته دسته بازمی‌گردند. بنیاد مستضعفان که بخش قابل توجهی از اموال مصادره شده را سرپرستی می‌کند، رسماً "سیاست" "خانه تکانی" را در پیش گرفته است. مقامات دولتی با گستاخی از استر داد واحد های مصادره شده دفاع می‌کنند. موارد زیر تنها نمونه‌هایی از آن است:

● در اهواز قبایلی و مهندس نجف‌سی د و سرمایه دار بزرگی که پس از انقلاب بازداشت و زندانی شده بودند، با حمایت مسئولین شهر توانستند شهرکی را که پیش از انقلاب در تصرف داشتند، پس بگیرند. مسئولین دولتی، ساکنین شهرک را وادار به تخلیه می‌نمایند. این‌ها و سرمایه داران درصد فروش واحد های مسکونی، به بهانه در واحد و میلیون تومان، می‌باشند.
● گفته می‌شود دولت تصمیم گرفته است کارخانه آلومرول اراک را به صاحبان فراری آن، خسروانی و فظلی بازگرداند.
● سرگرد جان پناه سرمایه دار بزرگی که پیش از انقلاب اراضی بسیار و تاسیسات گاو داری عظیمی در اختیار داشت، اخیراً توانست با حکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی مجدداً آنها را تصاحب کند.

● در اراک و لرستان و فو دال معروف به نامهای ابو الفضل خاکباز و امیر حسین تاج بخش، با حمایت کروی حکم تصاحب مجدداً ملک خود را دریافت کردند. اما با هراس از نقا و مت‌جسدی

انفجار بمب در میدان راه آهن، بناهای دیگر برای توجیه گستهای رنگارنگ خیابانی

روز پنجشنبه اول شهر یور ماه جاری بمب نبر و مندی در میدان راه آهن تهران منفجر شد که منجر به کشته شدن ۱۹ نفر و مجروح شدن بیش از صد نفر از همپیمانان ما گردید، این اقدام جنایتکارانه به لحاظ شیوه عمل، همانند بمب گذاری در میدان توپخانه و نظایر آن است. بمب گذاریهایی مذکور بنا بر گفته خود رژیم کار مزدوران رژیم عراق بوده است. در مورد بمب گذاری اخیر هاشمی-رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته تهران، مشتکی پرت و پلا تحویل مردم داد و آنرا به نیروهای گوناگون و بعضاً متضادی منتسب ساخت. رفسنجانی از تقارن این بمب گذاری با شروع هفته دولت که به زعم او از جانب سازمان مجاهدین هفته تبلیغ بر روی صورت صلاح اعلام شده، نتیجه گرفت که این اقدام جز سلسله فشارهایی است که برای پایان دادن به جنگ، به رژیم ایران وارد می شود و متعاقب آن کوشید تا یکبار دیگر عریه های جنگ طلبانه در فضای دانشگاه تهران طنین افکن شود.

از عوامل رژیم عراق و مزدوران نیروهای سلطنت طلب که بگذریم تنها جریانی که می تواند مسبب این بمب گذاری در مشهد باشد، قلمداد گردد خود ایادی رژیم است. رژیم ناچار است در نزد مردم گستهای رنگارنگ خود را که خیابانهای تهران را قرق کرده اند، توجیه کند و چه توجیهی بهتر از این بمب گذاری، حتی اگر کار مزدوران عراق باشد!

"هفته جنگ" را به هفته مبارزه با جنگ تبدیل کنیم!

باقیه از صفحه اول

و نوجوانان کشورمان را با انواع فشارها و حیلها روانه کشتارگاه جنگ می کند.

باینکه بن بست نظامی جنگ، تنفس روزافزون مردم از جنگ و جنگ افروز و گسترش حرکتهای اعتراضی جمعی و انفرادی آنان علیه بسیج نظامی ضد مردمی رژیم، و افزایش فعالیتها بین المللی نیروهای صلح دوست در سراسر جهان، سران جنگ طلب جمهوری اسلامی را با کلاف پیچیده و سردرگمی در رابطه با جنگ روپرو کرده است، با این حال آنان هنوز در تنور جنگ می دند و بر طبل ویرانگری و سیاه روزی می کوبند. مرتجعین حاکم که در پی شکستهای خونین در آخرین عملیات نظامی، ناگزیر به توقف تهاجمات جنون آمیز در طی ۶ ماه گذشته تن داده اند، اما هم اینک دو رج دیدی از تنوعی جنبه ها با نیروهای تازه نفس و تبلیغ شعار ارتجاعی "جنگ، جنگ، تاپیروزی!" آغاز شده است.

رفسنجانی سخنگوی حکومت در نماز جمعه ۲ شهریور تهران باردیگر موضع ارتجاعی رهبری جمهوری اسلامی را تکرار کرد که "جنگ، همانطور که ما گفتیم و هزار بار دیگر هم، هر کس بیاید همین رامی گوئیم، فقط مو تعی پایان پیدای کند که صد اوج حزب بعث از عراق کنده شده باشند و مردم عراق آزاد شده باشند."

روزنامه های مجاز، و بوپزه و رق پاره حزب حاکم، باز به تکرار جزییهایی می پردازد که تا به حال دهها بار قبل از تهاجمات نظامی نافرجام رژیم، گفته اند. روزنامه "جمهوری اسلامی" کهاگان برای فریب عده قلیلی که هنوز ممکن است نیرنگ "پیروزی نظامی، رابا و رکنند، خاتمه جنگ رابه یک" حمله نهایی "دیگرمو کول می کند. و قاحت و گستاخی تبلیغاتیهای رژیم در آنجاست که در حالیکه خود در تاج حاکم تا گلوگاه در منجلاب خیانت و سازش با امپریالیسم جهانی فرو رفته، هنوز زمد عیندگو با این "استکبار جهانی" (لفظی که زمانی برای مجموعه های ناهمگون و مو هو مارکسور هابکار می رفت) است که صلح می خواهد. آنها قصد دارند این دروغ بزرگ راهمچنان القا نمایند که "جنگ باعراق، جنگ با آمریکا است" تا با این فریب، برای ماجراجو بیبهای جنایتکارانه خود قربانی های بازم بیشتر صید کنند. اما کیست که نداند بیشترین "برکات" جنگ نصیب امپریالیسم امریکایی گردد. ادامه جنگ در نتیجه پافشاری جمهوری اسلامی بر شرط احقانه "سقوط صدام" برای مذاکرات صلح، به پنتاگون امکان داده است با بالاترین میزان از تمرکز قوای نظامی خود در خلیج فارس، خطری جدی برای امنیت منطقه بوجود آورد. حتی روزنامه جمهوری اسلامی در سرقاله ۲۷ مرداد خود می نویسد: "از این رهگذر (جنگ ایران و عراق) غرب هم توانست در آشفته بازار منطقه از یک سو منافع خود را حفظ کند، و از سوی دیگر، سلاحهای مانده در رزادخانه های خود را

بدر لارهای نفتی تعویض نماید و چوب حراج به نفت که عمدترین ثروت ملت های مسلمان منطقه است نیز بزند. بدین ترتیب، حالت "نه جنگ، نه صلح" به نوعی چپا و لگران غریبی مفید است.

اما همه اینها، رژیم اسلامی را از ضراریه ادامه جنگ و ویرانگری ازین دارد. جنگ، از نظر ارتجاع ایران، هنوز هم محملی برای بازسازی مناسبات غارتگرانه سرمایه داری و وابسته، و نزدیک ترین راه برای احیای روابط و دوستی و اتحاد با امپریالیستها و ارتجاع منطقه، و نیز سرپوشی بردرماندگی رژیم دریا سخگویی مطالبات توده های مردم و ابزاری برای تشدید جو سرکوب و اختناق و ترورفاشیستی است. از همین روست که رژیم به میل خود، از تداوم جنگ چشم پوشی نخواهد کرد و تن به آتش بس و صلح پایدار نخواهد داد. تنها اقدام مشترک و هماهنگ تمام احزاب و سازمانهای صلح دوست در ایران و کلیه نیروهای ترقیخواه در سراسر جهان، در جهت سازمان دادن اعتراضات هر چه وسیع تر به ادامه جنگ و ویرانگری، می تواند سدی در مقابل جنون جنگ افروزی رهبران جمهوری اسلامی برپا دارد. بدر نظر داشت این واقعیت است، که سازمان ماتنتها را ه مبارزه با جنگ را نشان داده است: "مصالح مردم ایران حکمی کند که آنها هفته جنگ رژیم رابه هفته مبارزه علیه جنگ تبدیل کنند. ماهمه سازمانها و محافل صلح دوست ایران را دعوت می کنیم با اقدام و سیچو متحدانه در هفته جنگ، تلاشها و تبلیغات جنگ افروزانه رژیم را افشا و رسوا سازند." (کار شماره ۶)

یورش وسیع به خلق کرد و همدستی با رژیم دست نشانده ترکیه

مصاف می دهند - جنبه دیگر این تبلیغات و قیحانه - منهای بزرگ نمایی ها و دروغ پردازیها همیشه رژیم - مترادف ساختن فرزندان رزمند ه خلق کرد با نیروهای عراقی است.

عملیات رژیم در کردستان اکنون در عمدتاً در مناطق پیرانشهر، سردشت و مهاباد تمرکز یافته است. برخلاف تبلیغات دروغین رژیم، ارزش نظامی این عملیات علیرغم گستردگی آنها چندان قابل توجه نیست. ما شین جنگی رژیم در کردستان می کوشد یک جنگ جنبه های رابطه از قدرت آتش خویش که سببانه روستاهای بی دفاع را با خاک یکسان می سازد، بعنوان عامل برتری خویش بهره جوید. رزمندگان دلاور کرد با هوشیاری، کاردانی و برتری روحی خود و حمایت توده ای عظیمی که در

باقیه در صفحه ۱۱

زمستان طولانی و سرد کردستان که معمولاً از اوایل آذر آغاز می شود، نزدیک است و از همین رو رژیم فعالیتها ی سرکوبگرانه گسترده خود را در این منطقه سرعت بخشیده است تا به زعم خود به موفقیتهایی دست یابد و بتواند حریم پایگاههای اصلی خود در گسترش بخشد و آنها را از زیر ضرب نیروهای دلاور پیشمرگ خارج سازد. در حالی که جنبه های جنگ باعراق دچار یک بن بست بی سابقه گردید ما ند، هدف دیگر رژیم از گسترش بخشیدن به حملات خود در کردستان آن است که برای بق و کرنا هسای تبلیغاتی خود دخراک تهیه کرده و جنون جنگ طلبی و خونخواری خود را ارضاکند. در همین راستا سبکه اطلاعیه های "قرارگاه حمزه" و "ستاد مشترک ارتش" به گونه ای تنظیم می شوند که گمان رود ما شین جنگی رژیم در کردستان به صورت جنبی با نیروهای پیشمرگه درگیرند و دراصل باعراق

خاورمیانه: دیپلماتها یا ژنرالها؟

تفسیری از * دیپمتری ولسکی ("عصر جدید" - شماره ۳۲)

۱- غیرمجاز بودن دست‌یازی به خاک دیگران از طریق تهاجم. بر این مبنی اسرائیل باید همه مناطقی را که از سال ۱۹۶۷ بدین سرافراز اشغال کرده است، به اعراب پس بدهد.

۲- تضمین حق مسلم خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خود و در تشکیل یک دولت مستقل در مناطق فلسطینی - کناره غربی رود اردن و نوار غزه - که از اشغال بیرون خواهد آمد. بدیهی است که دولت مستقل فلسطینی، پس از تاسیس، نوع روابط خود را با کشورهای همسایه راسماً تعیین خواهد کرد و در باره احتمال تشکیل یک کنفدراسیون نیز تصمیم خواهد گرفت.

۳- باز پس دادن بخش شرقی بیت المقدس، که باید جزء لاینفک دولت فلسطین باشد.

۴- تضمین واقعی حق همه دول منطقه مبنی بر موجودیت و رشد مطمئن و مستقل.

۵- پایان دادن به وضعیت جنگی و انعقاد صلح میان کشورهای عربی و اسرائیل.

۶- تضمین های بین المللی برای این راه حل. اتحاد شوروی همچنین راه های نیل به این اهداف را نیز بر شمرده است. مذاکرات در چارچوب یک کنفرانس ویژه بین المللی در باره خاور نزدیک، تحت نظر سازمان ملل متحد و با شرکت ضروری سازمان آزاد پیش فلسطین.

ابتکار جدید شوروی، بر مبنای زمینه های که جریان زندگی و روند رویدادها به وجود آورده است، ارائه گردید.

پرزده و کوتیاری، دبیر کل سازمان ملل متحد، در سفر اخیر خود به خاور نزدیک، موافقت اکید خود را با تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای بررسی مسئله خاور نزدیک اعلام کرد. البته به این نیز اکتفا نمود. وی با آوردن دلایلی، ضرورت فوری فرا خواندن چنین کنفرانسی را ثابت کرد. نه تنها سیاستمداران طراز اول کشورهای مترقی منطقه، بلکه حتی دولت مردان عربی نظیر مبارک رئیس جمهور مصر و حسین شاه اردن اخیراً از این ایده جانبداری کرده اند. میتران رئیس جمهور فرانسه نیز که در تابستان به برخی کشورهای عربی سفر کرد، در این باره با لحن تأیید آمیزی سخن گفت، بدو اینکه بخواهیم همه مقاصد او را از گرفتن چنین موضعی نام ببریم؛ یاد آوری می شویم چنین موضعی، بدو تن تردید بازتاب جوی است که در اروپای غربی گسترش زیادی یافته است. در آنجا، عللی برای این بیس وجود دارد که یک جنگ جهانی آغاز شد. در خاور نزدیک، ممکن است در وهله اول در اروپا گسترش یابد.

بخاطر داریم، این پرزیدنت ریگان است که در طول دوران ریاست جمهوری خود تا کنون پنج بار پیش بینی کرده است وقایع خاور نزدیک ممکن است به یک فاجعه عمومی منجر شود. بدین ترتیب خود او نیز اعتراف می کند، اگر آمریکایی ها

واشنگتن آنها را به صدا در آورده است. این بار به خاطر وضع خاور نزدیک، البته نه برای اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل، تشنج در دره بقاع و یا جنگ میان ایران و عراق، این همه، برای او کاملاً مطلوب است. پس از آنکه واشنگتن، به تعبیر "اکنونیست" چاپ لندن، در لبنان "بایبنی زمین خورد"، رویاهای آمریکا و قبل از همه خیال واهی آن در باره قدر قدرتی خود و ضعف دیگران در خاور نزدیک، نقشش بر آب شده است. این توهم را دیگر به هیچ کس نمی توان القا کرد. از این رو، در واشنگتن جنون خود بزرگ بینی جای خود را به جنون احساس خطر می دهد. احساس خطر از جانب چه کسی؟ مسلماً اتحاد شوروی، اگر بخواهیم نوشته "واشنگتن تایمز" را باور کنیم، "اتحاد شوروی با توجه به شکستهای متعدد سیاست خاورمیانه - ای دولت ریگان، دست به اقدامات شدیدی برای گسترش نفوذ خود در این منطقه ناآرام میزند."

ابتکار جدید و بهانه های قدیمی

چه چیز اتفاق افتاده است؟ چرخش به چپ در یک کشور عربی، بطوریکه بتوان طبق معمول مسئولیت آن را به "عوامل شوروی" نسبت داد؟ و یا اینکه کشتی جنگی "کیروف" شهرهای یک کشور متحد آمریکا در خاور نزدیک را مورد حمله قرار داده است؟ یا اتحاد شوروی به دنبال بدست آوردن یک پایگاه نظامی در گوشه ای از این منطقه است؟

نه، هیچ کدام. "واشنگتن تایمز" هم جرأت نمی کند خلاف این ادعا کند. اما در عوض، این روزنامه با لحن وحشت زده ای از مبادله سفیر میان مسکو و قاهره که اخیراً صورت گرفت؛ از دیدار وزیر دفاع کویت از اتحاد شوروی، از تلاشهایی به منظور برقراری تماس با کشورهای سوسیالیستی که اخیراً در برخی از سایر کشورها، در کشورهای محافظه کار عربی مشاهده می گردد، خبر می دهد. "واشنگتن پست" معتقد است کشورهای "میانهم" و "عرب" آنطور که در غرب نامیده می شوند - اجازه ندارند دیپلماتهای شوروی را بپذیرند، اجازه ندارند به مسکو یا پراگ وزیر بفرستند و بایستی حتی المقدور خود را با یک "پرده شنی" از جامعه کشورهای سوسیالیستی جدا کنند. و الا امری وحشتناک و غیر قابل جبران به وقوع خواهد پیوست، و این امر عبارت خواهد بود از اینکه گرایشی بسوی عادی شدن اوضاع عمومی در خاور نزدیک، و بسوی حل مسالمت آمیز مسایل این منطقه، دست بالا را خواهد گرفت. روندی که کشورهای سوسیالیستی به تحقق آن بسیار ذی علاقتند.

این مشی اصولی و تبلور خود را در پیشنهاد های اتحاد شوروی برای حل مسئله خاور نزدیک، که اواخر ژوئیه منتشر شد، نشان داد. اتحاد شوروی مشی اصل را پیشنهاد کرد:

خواهان نابودی جهان نیستند، میبایستی در این باره ببند بپندند، که چگونه می توان مین خاور نزدیک را خنثی کرد. تا چه رسد به اسرائیلی ها که دولت آنها چاشنی این انفجار جهانی، و نتیجتاً نخستین قربانی آن خواهد بود.

تناقض های خطرناک

متأسفانه هرگاه سخن از یک کنفرانس در باره مسئله خاور نزدیک بطور کلی از گامهایی در جهت حل عادلانه این بحران منسوی رود. در واشنگتن و تل آویو به گوشه پنهان فرو می کنند. از این هم فراتر، بانسان این تصور دست می دهد که اینک دولت آمریکا دیگر فقط به منظور انحراف اذهان، از یک راه حل مسووری به سبک کمپ دیوید و یا "طرح ریگان" جانبداری می کند. و یا ذیقتر بگوییم، به منظور فریب اعراب و افکار عمومی جهان؛ و در حقیقت بدنبال مقاصد و نقشه های دیگر است.

از جمله، نتایج سبباً غیر منتظره انتخابات ۲۳ ژوئیه در اسرائیل انسان را وادار به نتیجه گیری فوق می سازد. این انتخابات، علیرغم اغلب پیش بینی ها و نظرخواهی های متعددی که پیش از آن انجام گرفت، نه بمپیروزی اپوزیسیون "حزب کار" که به نوعی از بن بست و "پات" شدن انجامید. ائتلاف دولتی لیکود، که بسیار کمتر از آنچه انتظار می رفت کرسی از دست داد، می تواند به اتفاق "حزب کار" یک دولت وحدت ملی تشکیل داده و یا با گروه بندی های ما و راه راست که در "کنست" (پارلمان اسرائیل) کرسی های نسبتاً زیادی کسب نموده اند، ائتلاف کند، گروه های راست، بخشی از آرای کسانی را به دست آورده اند که از نظام دو حزبی سرخورده شده و یا از تلفات جنگ لبنان و همچنین بحران اقتصادی، ناراضی اند. چنین تناقض هایی، پیش از این و در دوره های دیگر، در سایر کشورها وجود داشته است.

اما یک تناقض دیگر هم وجود دارد: بر خلاف لیکود، که "طرح ریگان" را رد کرد، "حزب کار"ی ها آن را، بطور کامل مشهود با قصد جلب حمایت آمریکا، ستوده و مورد استقبال قرار دادند. آیا محاسبات آنها درست از آب درآمد؟ بطور رسمی، وزارت خارجه آمریکا موضع بیطرفانه ای اتخاذ نموده و اظهار اطمینان کرد که "همکاری نزدیک معمول" بین اسرائیل و آمریکا، صرف نظر از اینکه کدام حزب پیروز شود، تغییری نخواهد کرد. بدیهی است وزارت خارجه آمریکا از دلایل کافی برای داشتن چنین اطمینان "بی برخوردار است، چرا که هر دو حزب رقیب بورژوازی، در اسرائیل در مقابل کشورهای عربی بطور "غیر قابل تخیر" از سیاست توسعه طلبانه ای پیروی نموده و تابع واشنگتن هستند. تفاوت، تنها در تاکتیک ها و ظرافت های سیاسی است. اما ظاهراً همین ظرافت ها، موضعی در دولت کنونی آمریکا را تعیین کرده است. روشن است که این دولت، از لحاظ ایدئولوژیک با لیکود احساس نزدیکی بیشتری می کند، بقیه در صفحه ۵

گزارشی از بندرتزکمن

وصول کرد. مردم از دخالت، هدف و روش او و ناراضی بودند. بویژه از تمجید و توجه او نسبت به سرمایه داران خشمگین شدند. و وقتی که نوبت بیک سرمایه دار منفر رسید، نفرت مردم اوج گرفت. این سرمایه دار که مهندسین و صاحب چند کارخانه و مستغلات زیادی می باشد، در برابری هزار تومان رقم پیشنهادی فرماندار، پنجاه هزار تومان پرداخت کرد. به دنبال آن مردم خشمگین ابتدایک به یک و سپس دسته جمعی، بی آنکه نماز عید فطر را بجا آورند، شروع به خروج از محل کردند. پاسداران و مامورین شهریانسی کوشیدند از خروج مردم جلوگیری نمایند. اما با اینکه درهای محل را بستند راه به جایی نبردند. مردم از در دیوار لارفته و خارج شدند و فرماندار را با سرمایه داران به حال خود درها کردند.

و نه فقط در چارچوب منطقه ای، دنبال می کنند. از این رو، واشنگتن اساساً از تجاوز کارترین محافل تل آویو حمایت نموده و عملاً، ماشینی جنگی اسرائیل را به سیستم نا تو متصل ساخته است. روشن است که این امر تا چه حد برای اسرائیل خطرناک است، آنقدر خطرناک که حتی نظامیان اسرائیلی را هم نگران می سازد. البته دولت شامیر در ازای موافقت با خواسته های دولت آمریکا، در مواقع ویژه، به نوشته همان مقاله "نیویورک تایمز" بهای بهمان اندازه سنگین طلب کرده است. حمایت عملاً بلا قید و شرط با ماجراجوی بیبهای جدید اسرائیل علیه کشورهای عربی، بدین گونه، اهداف تجاوز باز کارانه و واشنگتن و تل آویو در هم آمیخته و به تهدیدی علیه دیگران تبدیل می شود. شواهد انکارناپذیری حاکی از آنست که - آنگونه که یک روزنامه نگار غربی نوشته است - در خاور نزدیک "تصمیم گرفته اند بگذرند از راههای بجای دیپلماتها سخن بگویند."

اما بازتاب و سیخ ابتکار جدید شوروی نیز نشان می دهد که نمی توان باغل و زنجیر جلوی دیپلماسی را گرفت، به ویژه که با وجود همه تلاشهای دشمنان صلح، در خاور نزدیک روند هاتشیت مهمی نظیر عادی شدن و ضاع لبنان به چشم می خورد. سوریه، کشور همسایه لبنان، در راه تسریع این روند می کوشد، و بیک نمونه آن هلاکات پرزیدنت اسد با کرامی نخست وزیر لبنان است. بعلاوه آیا آغاز حل و فصل اختلاف در جنبش فلسطین نمودی از این روند نیست؟ همچنین باید یادآور شد که در انتخابات اسرائیل نیز نیروهای صلح دوست به رهبری حزب کمونیست، علیرغم شدیدترین جو سازیهما، مواضع خود را در پارلمان حفظ کرده و حتی تحکیم نمودند.

سخن گو تا، نقشه های جغرافیایی در ستاد های نظامی با واقعیت صحراها و کوههای خاور نزدیک به کلی متفاوت است.

در تزکمن صراحتاً به یک سنت قدیمی در عیاد مذهبی از سوی محتمدین محلی کمکهای بی به منظور کارهای عمرانی و یاری به مستندان جمع آوری می شد. این کمک بطور داوطلبانه از سوی توده مردم پرداخت می شد و کسی بسه مبلغ پرداختی توجهی نداشت. اما امسال در بندرتزکمن فرماندار، شکل سنتی دریافت کمک را نپذیرفت. او در روز عید فطر در حالیکه گروهی از پاسداران مسلح راه همراه داشت، به محل برگزاری نماز عید آمد و یارفتن پشت تریبون اعلام داشت، کمکهای این روز مخص جبهه های جنگ خواهد بود و خود آنها را جمع آوری می کند. فرماندار لیست تنظیم شده ای از ثروتمندان شهر به همراه داشت و از پشت تریبون هر یک از آنها را مخاطب قرار داد و می خواست میزان کمک به جبهه را اعلام نمایند. در چنین جوی مبالغه قابل توجهی

توسعه علیه پایگاههای آمریکا در یونان، اختلاف میان یونان و ترکیه، که پس از اعلام دولت مستقل در آن نواحی از قبرس که تحت اشغال ترکیه است، با گرفته، و بالاخره شکست تلاش "نیروهای چند ملیتی" ناتو به سرکردگی تفنگداران دریایی آمریکا به منظور ایجاد یک پایگاه تدارکاتی در لبنان، آیا دیگر لازم است باز هم تاکید شود که برای واشنگتن اهمیت روابط نظامی با اسرائیل، تحت شرایط حاضر افزایش یافته، بطوریکه تبلور خود را در قرار داد فوق الذکر پیرامون "اتحاد استراتژیک" نشان می دهد؟

در اینجا یک جبهش کیفی مطرح است. نیویورک تایمز در همان مقاله ۱ آژوئیس از توصیه های پنهانی دولت آمریکا به رهبران لیکود نام می برد و از سیاست مهم تری را نیز فاش می سازد: "مذاکرات پنهانی میان اسرائیلی و آمریکا در باره طرحهای نظامی، بیش از پیش حول این نکته متمرکز می گردد، که چگونه میتوان با اتحاد شوروی در این منطقه مقابله نمود... منظور چیست؟ قضایا تنها بسه آمادگی اسکله های توقف و تعمیر در حیفا و سایر بنادر اسرائیل برای پذیرش ناوگان ششم آمریکا، یا انبار کردن "ذخیره های ضروری" اسلحه آمریکا، در اسرائیل، و یا امکان عیاشی برای ملوانهای آمریکایی در آنجا، محدود نمی شود. این همه، در گذشته نیز اعلام شده بود. اما نقشه های فراتر از این نیز که کمتر کسی از آن خبر دارد، در کار است. "نیویورک تایمز" مینویسد: "در مواقع ضروری می توان عملیات مشترک علیه گشتی های شوروی در مدیترانه ترتیب داد." چه صراحتی! ببینید ادغام شدن در استراتژی عمومی آمریکا چه عواقبی دارد!

آنگونه که همه می دانند، دولت ریگان تدارک یک جنگ جهانی بطور همزمان در چندین "صحنه نبرد" را در سر لوجه کل سیاست خود قرار داده است. امروزه، دولت ریگان در خاور نزدیک نیز، اهدافی در این چارچوب،

خاور میانه: دیپلماتها یا...

بقیه از صفحه ۴
بخصوص از زمانی که افراد سرکش و غیر قابل کنترلی نظیر آقایان بگین و شارون، جای خود را بسه گروه بزرگتر شامیر - آرنزداده اند. بیهوده نبود، که دولت آمریکا با دولت شامیر قرارداد "اتحاد استراتژیک" امضا کرد. این امر که در چارچوب این قرارداد اندکی پیش از انتخابات، در ماه ژوئن، نخستین مانورهای اسرائیل - آمریکا انجام گرفت و درست قبل از رای گیری، تمرین آماده باش افراد ذخیره اسرائیلی آغاز شد، نمی تواند تصادف محض باشد. و بالاخره، در همین روزها، "نیویورک تایمز" مابقی قضیه را فاش ساخت. این روزنامه، که اطلاعات آن معمولاً موثق است، در ۲۱ ژوئیه نوشت: "مقامات دولت آمریکا به لیکود توصیه کرده اند از همکاری آمریکا و اسرائیل نوعی اتحاد جنگی تصویر کنند، تا در انتخابات کنسرت مواضع مناسبی به دست آورد."

میتوان حدس زد، که اهرمهای پنهانی دولت ریگان از شکست ظاهراً اجتناب ناپذیر لیکود جلوگیری نمود. اما "اتحاد جنگی با آمریکا" بر سر جای خود باقی ماند. علت اینکه چرا واشنگتن به دوستان خود در تل آویو توصیه می کند این اتحاد را استتار نمایند، روشن است. خطراتی که این قرارداد در دین خود دارد، بسیار بزرگتر و تهدید آمیزتر از آنست که در نگاه اول می نماید. کافی است به نقشه خاور نزدیک نظری بیفکنیم.

موضع ناتو

از نظر طراحان استراتژی آمریکا، بخش شرقی منطقه مدیترانه بمنزله چیست؟ آنها در این منطقه، نه گنجینه ذقیمت آثار تاریخی و مهد تمدن، بلکه "جناح جنوبی" ناتو را کسه مستقیماً با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه ساحل دریای سیاه اتحاد شوروی همجوار است، می بینند. در گذشته، مهاجمین به کشور مسابارها این جهت را برای حمله خود برگزیدند: در جنگ کریمه و هنگام پیاده شدن فرانسوی ها در ادسا و انگلیسی ها در قفقاز در طی مداخله نظامی خارجی و جنگ داخلی (بلافاصله، سپس از انقلاب اکتبر)، در رویداد "مفسر نظامی آمریکایی می نویسد اکنون مواضع ناتو در بخش شرقی مدیترانه بسیار مهم تر از مواضع آن در سایر مناطق، مثلاً در شمال اروپاست. بیهوده نیست که ناوگان ششم آمریکا، متعلق به جناح جنوبی ناتو، از سایر ناوگانها در بکارگیری تجهیزات مدرن تر، حدود ۵ سال پیش گرفته است."

با این همه، میدلتون مدعی است که "وضع" جناح جنوبی "نگرانی طراحان استراتژی ناتو را برانگیخته است. این امر قابل درک است اما نه به این علت که "نیروهای مسلح پیمان ورشو" در آنجا بهر نحوی متشاه، "خطر" می شده باشند، بلکه علل دیگری در کار است. لاقل ما میتوانیم از سه علت نام ببریم: جنبش در حال

گزارشی از اوین

زیر هزار تیغه خنجر

بند زندانیان "روی موضع"

زندانیان "اوین" دریافته اند که نمی توانند سدر راه حرکت زندانیان شوند. بخشی از نخبگان خلق در "اوین" گرفتار گشته اند و لاجرم در این گورستان نیز بذر توفان خواهند کاشت. آگاهی، تشکل و حرکت، طبیعتاً از سوی زندانیان مفاوم آغاز گشته و به وسیله آنان هدایت می شود. دژ خیمان اوین، با علم به این نکته، چندی است که بخشی از زندانیان مقاوم را، در اتاقهای ویژه ای جاداده اند. اینان کسانی هستند که از هر نظر محکم و استوار برجامانده اند، "فراپیش" را انجام نمی دهند و روی مواضع ایدئولوژیک و سیاسی خود پافشاری می کنند. در ابتدا سالن شماره ۳ به این زندانیان اختصاص یافت ولی بندهای دلاوران، گسترش یافته است.

افراد مقاوم در فرهنگ رایج در میان زندانیان، افراد "روی موضع" نامیده می شوند. بندهای نیز دارای همین عنوان است. این بندها را نگهبانان، بند "کفار" می نامند. البته در این بند نیز همه گونه زندانی یافت می شود. عده ای از توابین را هم به آنجا فرستاده اند تا حرکت زندانیان مقاوم، از چشم مسئولین پنهان نماند. اما در مجموع می توان گفت که این بند، در برگیرنده مقاوم ترین و بارو حیه ترین زندانیان است. افراد "روی موضع" را کمتر به "حسینیه" می برند و در سخنرانی ها شرکت می دهند و بالطبع فشار و شکنجه روی آنان، بیشتر از بقیه است.

زندگی در زندان

مهمترین فراز بارز در اسارت، مقاومست در جریان شکنجه و بازجویی است. اما استقامت یک زندانی مبارز تنها با تعداد شلاقهایی که تحمل می کند، محک زده نمی شود. یک انقلابی اسیر باید روزهای طولانی و سخت اسارت را به سر آورد و همواره روحیه خود را بالا نگه داشته و سرزند و با نشاط باقی بماند. این امر، در زندانهای جمهوی اسلامی که یک لحظه

★ اخیراً ارتقای روحیه زندانیان تا به حدی است که از درگیری علنی با لاجوردی خون آشام نیز باکی ندارند.

نیز زندانی به حال خود رها نمی شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یک زندانی مبارز علاوه بر حفظ روحیه و سرزندگی خود و وظیفه سنگین القای پایداری و نشاط در میان جمع را نیز برعهده دارد. او باید برای گذران وقت خود و دیگران به بهترین شکل ممکن برنامه ریزی کند، برای خنثی کردن سمومی که رژیم در زندانها می پراکند تلاش و زور، جلوی شایعات دشمن را یادی آن را بگیرد، ذهن زندانیان را متوجه مبارزات توده ها و ضعف و زبونی رژیم سازد،

آغاز به کار "راد یو صدای زحمتکشان" به گوش رفقای ما و حزب، و مبارزین دیگر رسید، آنان را غرق شادمانی ساخت. پیش از اخبار مربوط به انتخابات که در جریان آن مردم مشت محکمی به دهان رژیم زدند نیز در ارتقای روحیه زندانیان بسیار موثر بود.

★ لاجوردی خون آشام

"کی گفته است که در ایران، آزادی عقیده وجود ندارد؟ شما که نیستید، خوب باشید! ما هم معتقد به سرکوب کمونیستها هستیم. و چون آزادی عقیده وجود دارد ما پرمیثالی عقیده خودمان، شما را سرکوب می کنیم!"

در زندان اوین، شرایطی پدید آمدند که یک دقیقه از وقت زندانی نیز بدون تحمل فشارهای جسمی و روانی، سپری نشود. تا جایی که شکنجه جسمانی را لازم ببینند، با وحشیانه ترین شیوه ها زندانی را به زیر ضرب و شتم می گیرند. به دنبال آن شکنجه های روانی آغاز می شود: "حسینیه"، سخنرانیهای لاجوردی سران رژیم و توابین، تلویزیون مدارسته، کتابهای مطهری و ...

در زیر این همه فشار تلاشی کنند زندانی خود را تنگنا حس کند. تماس زندانیان را به حداقل رسانده اند، حتی در داخل یک اتاق نیز بیش از ۳ نفر مجاز نیستند. برای خودشان کلاس بگذارند و به آموزش موضوعاتی همچون زبانهای خارجی بپردازند.

علیرغم همه این فشارها، زندانیان آموخته اند که چگونه گرد هم جمع شوند، تماس خود را با یکدیگر گسترش بخشند، تجربیات و اخبار لازم را به هم انتقال دهند و به حرکت های صنفی دامن زنند.

اکنون هر اتاق دارای یک نماینده است که از میان کاندیداهای این مسئولیت، برای مدت معینی از سوی زندانیان انتخاب می شود. وظیفه نماینده انتقال اعتراضات و خواسته های زندانیان حول مسایلی همچون کم بودن جیره غذایی، کم بودن زمان هواخوری، تراکم جمعیت اتاق و ... به زندانیان است. اکثر زندانیان مبارز برای عهده دار شدن این سمت پیشقدم می شوند و تمام مشکلات این مسئولیت را می پذیرند. زندانیان با کوچکترین بهانه ای نماینده اتاق را کتک می زنند. یک کارگر پیشرو و سازمان، اخیراً به خاطر عهده دار شدن این مسئولیت و تلاش که به خاطر گرفتن خواسته های زندانیان، میزول داشته، به شدت زیر ضرب و شتم قرار گرفته است.

برخورد با زندانیان "خاطی"

همچنان که گفتیم گذاشتن کلاسهای بیش از ۳ نفر ممنوع اعلام شده است. خواندن شعر و سرود، داشتن قلم و کاغذ، مبادرت به ورزشهای جمعی و درگوشی حرف زدن نیز اکیداً ممنوع است. در برخی از زندانهای جمهوری

به هر شکل ممکن تجربیات و اخبار زندان را به بیرون انتقال دهد، در پیش اخباری که از خارج از زندان می رسد بکوشد، جلوی تفرقه هارا بگیرد و بگذارد رژیم از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک موجود در میان گروه های سیاسی مبارزه نفع خود بهره برداری کند و ... بالاخره در برخورد با مشکلات پیشقدم شود. و با شور، استقامت و فداکاری خود الگوی دیگران گردد. پیش از اخباری که از خارج از زندان می رسد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اخبار مبارزات مردم و حرکات و پیشرفت های نیروهای انقلابی نوامید را در دل های زندانیان می تاباند. بعنوان نمونه در اوایل آسال، وقتی که خبر

وقاحت و دروغبافی یک آدمخوار

توصیف لاجوردی دژخیم از کشتارگاه "اوین" در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه ۲۶ مرداد تهران:

"... همان جنایتکارانی که شمشاد ر تلویزیون دیده اید، هم اکنون در زندان مشغول شنا، فوتیال، والیبال، پینگ پنگ و ورزش و تفریح هستند و شاید امکانات رفاهی که در اختیار زندانیان است در اختیار بسیاری از اقشار مرفه هم نباشد. در زندان اوین جمعاً ۶ استخر وجود دارد که در اختیار زندانیان است، روزهای جمعه زندانیان به صورت یک یک به باغهای مصفا ی زندان، استاد یوم آزادی، مراکز ورزشی و تفریحی و اماکن مشابه آن برده می شوند و در آنجا استراحت می کنند. در هر اتاق آنان که حدود ۲۰ نفر زندگی می کنند، یک تلویزیون، ضبط صوت و رادیو وجود دارد که علاوه بر برنامه های ویدئویی شبکه آموزشی مخصوص زندان اوین نیز وجود دارد. مسئولین مملکتی در مواقع مختلف به زندان می آیند و برای زندانیان سخنرانی می کنند. هر شب جمعه دعای کمیل و در اعیاد مختلف مراسم سرود خوانی اجرامی کنند. روز عید قربان و عید فطر لزماً به نماز عید می روند. تاکنون چندین مرتبه به حرم حضرت عبدالعظیم و حرم حضرت معصومه رفته اند، در صورتی که اقوامشان فوت کند، به بهشت زهرا و در صورتی که یکی از اعضای خانواده آنها بیمار باشد، برای عیادت به خانه شان برده می شوند ...

یک گروه از این افرادی که صاحب تلویزیونی داشتند، بلافاصله بعد از معاخصه برای شنا به استخر رفتند. دستگای نوهدرن برای آموزش حرفه های فنی در اختیار آنان قرار می گیرد که پس از شش ماه تا یک سال، به یک فرد کاملاً فنی تبدیل شده اند ..."

(کیهان - ۲۷ مرداد)

☆ زندانی سیاسی، آزاد باید گردد! ☆

برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

☆☆☆ در دفاع از زندانیان سیاسی ☆☆☆

● سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، برنامه خود را برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده و در عین حال از هر پیشنهاد و فراخوان موثر دیگری هم صمیمانه پشتیبانی میکند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی تمام حقوق سیاسی، حقوق قضایی و حقوق زیستی زندانیان سیاسی را گستاخانه پایمال کرده و به فجیعترین جنایات علیه زندانیان دست میزند، مبارزه در راه تامین حقوق و مطالبات زندانیان سیاسی ایران اهمیت ویژه ای کسب میکند. ما همه نیروهای آگاه و مبارز را فرا میخوانیم که دست در دست یکدیگر برای تحقق اهداف شریف و انقلابی زیر، که اهداف مشترک همه ما هستند، مبارزه متحد خود را علیه ارتجاع حاکم باز هم بیشتر گسترش دهیم:

حقوق و خواستههای سیاسی و قضایی:

- ☆ اعدام زندانیان سیاسی باید ملغی گردد
- ☆ هرگونه شکنجه و آزار جسمی و روانی زندانیان باید قطع گردد
- ☆ بیکرد و دستگیری مبارزین باید قطع شود
- ☆ از کانهای تجسس و سرکوب میهن پرستان باید منحل گردد
- ☆ هرگونه اجبار زندانیان به رد عقاید خود باید فوراً قطع شود
- ☆ عنوان "زندانی سیاسی" برای میهن پرستان اسیر باید به رسمیت شناخته شود
- ☆ مشخصات و اتهام و محل بازداشت هر زندانی باید اعلام گردد
- ☆ از زندانیانی که محکومیتشان تمام شده باید آزاد گردند
- ☆ محاکمات باید علنی و قانونی باشد
- ☆ حق زندانیان برای شکایت به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر باید تأمین شود
- ☆ هیاتهای ملی و بین المللی مسئول باید مجاز باشند از زندانها دیدن کنند

حقوق زیستی:

برای زندانیان سیاسی باید:

- ☆ غذای کافی و بهداشت و درمان
- ☆ جای کافی و حق هواخوری
- ☆ ملاقات حضوری و هفتگی
- ☆ نشریات و کتابهای مورد درخواست
- ☆ حق ادامه تحصیل و مکاتبه

تأمین گردد

دروود بر زندانیان سیاسی که قهرمانانه

در برابر دژخیمان ایستاده اند!

پیروز باد مبارزه حق طلبانه

خلق ستم دیده ایران!

اسلامی، همچون زندان کرب از اوین نیــــز
وضع بد تراست. در زندان کرب یک زندانی
حق ندارد در هنگام مراجعه به فروشگاه زندان
برای یک نفر دیگر نیز چیزی بخرد، و نفر حق
ندارند جدا از دیگران با هم حرف بزنند، غذا
بخورند و یاد رهنگام هواخوری با هم قدم بزنند.
این اعمال مصادیق داشتن عقاید اشتراکی
محسوب می شوند!

آنانی که دستورات زندانیان را اجرا
نکنند به شکلهای مختلف مورد آزار و اذیت قرار
می گیرند. کمترین مجازات برای یک فرد "خاطی"
(اصطلاح دژخیمان اوین) آن است که در هوای
سرد چند ساعت با چشمهای بسته روی یک پای
خود بایستد و یا حق هواخوری نداشته باشد.
گاه يك اتاق به تمامی "خاطی" تشخیص داده
شده و حق هواخوری از همه "ساکین" آن، سلب
شده و یا از جیره غذایی آنان کاسته می شود.
زندانیان مقاوم تاجایی که میسر است ممنوعیتهای
بی شماری را که در اوین برقرار ساخته اند، زیر
پای نهند. اخیراً ارتقای روحیه زندانیان تا به
حدی است که از رگبری علنی بالا جو ردی خون
آشام نیز باکی ندارند. بعنوان نمونه يك بار
لا جو ردی در "حسینیه" شروع به فحاشی نسبت
به کمونیستها نمود و اعتقاد به مارکسیسم لنینیسم
راد رجمه و ری اسلامی بالاترین جرمها دانست.
یکی از رفقا با شهامت بی نظیری از جابراخواست و
گفت: "شما هاکه قبل از به حکومت رسیدن از
این حرفهائی زدید. بعنوان نمونه نفايت الله
خینی وقتی که در ریاس بود، می گفت در ایران
همه عقاید و همه احزاب آزاد خواهند بود."
لا جو ردی در ریاسخ مثل يك خرس تیر خورد ه

☆ مدتی است که برخی از اعضای دلیر و
مقاوم سازمان ما که سبب استقامت در
اوین و شاخص افراد "روی موضع" محسو
می شوند - در بندهای عمومی و بیاد ر
"حسینیه" به چشمهائی خورند. دژخیمان
یا آنان را به جوخه اعدام سپرده اند و یا
این که در سلولهای انفرادی، به بند
کشیده اند.

فریاد کشید و گفت: "اولا امام در ریاس تبلیغ
می کردند. ثانيا کی گفته است که در ایــــران
آزادی عقیده وجود ندارد؟ شما کمونیستید،
خوب باشید! ما هم معتقد به سرکوب
کمونیستها هستیم. و چون آزادی عقیده وجود
دارد ما بر مبنای عقیده خود دمان شما را سرکوب
می کنیم!" رفیقی که با این شهامت در برابر
لا جو ردی دژخیم ایستاد، قبل از سال ۶۰ دستگیر
شده است و مطابق با حکم "دادگناه"
می بایست چندین ماه پیش آزادی می شد. اما
به خاطر سرزندگی و شجاعتی که از خود بر وز
می دهد همچنان در بند بگه داشته شده است،
هر از گاهی به سلول انفرادی می افتد و زیر
شکنجه قرار می گیرد. این قبیل زندانیان را که
محکومیتشان پایان پذیرفته ولی آزاد نمی شوند،
بقیه در صفحه ۹

در حاشیه



ادامه جنگ با موافقت امیر یالیستها

سرهنگ سلیمی وزیر سابق دفاع :
" در جهان امروز، به استثنای چند کشور معدود هیچ کشوری حاضر نیست با ما وارد معاملات تسلیحاتی شود و ما هر معامله‌ای که داریم با واسطه‌ها و با شرکت هاست و آن هم مشروط بر اینکه آن کشور سازنده و مطبوع آن شرکت اجازه خروج بدهد."
(اطلاعات - ۲۴ مرداد)

اعتراف به خرید سلاح از اسرائیل

نادی نماینده مجلس :
" به جای اینکه صنایع نظامی را گسترش دهیم و تکنولوژی راقوی کنیم و نیروها را به کار گیریم و از ابتکارات آنها استفاده کنیم، (برای خرید سلاح) جذب بازارهای خارجی شده‌ایم و باعث ثروت عمدتاً شدن دلالها و سرمایه‌داران وابسته به صهیونیست شده‌ایم."
(کیهان - ۲۳ مرداد)

"ابواب الجنه" یا "ابواب الجنون"

یادامچیان نماینده مجلس و یکی از بازاریان "محرّم"
"نظام اسلامی، نظام جهادی است و همیشه در پیکار با دشمنان خداست و اساس اقتصاد اسلامی بر اقتصاد جنگی است و جهاد که بابتی از ابواب الجنه است، نمی‌تواند موجب معیشت تنگنایی (؟) و رنج برای جامعه اسلامی بشود"
(کیهان - ۲۴ مرداد)

خودکفایی

یك نماینده مجلس :
" ۰۰۰ آخر چطور می‌شود با این سیاست دنبال خودکفایی دویید؟ این اصلاً وابستگی کامل است ۰۰۰ ماشین سازی اراک، من کتاب نوشته دارم که نوشته اند ما حاضریم قسمتی از ژوئیه و اگن پارس را برایشان بسازیم. دقیقاً به آنها پرخاش شده که از این "گنده گویها" نکندید! اگر کسی از این شعارها بدهد، با او مبارزه می‌کنیم."
(اطلاعات - اول شهریور)

فرزندان من هم چغندر نکارند!

احمدوند نماینده مجلس :
" کشاورزی را بدیم که می‌گفت من تا عمر دارم دیگر چغندر نخوام کاشت و در وصیتنامه خودم هم نوشته‌ام که فرزندان من هم چغندر نکارند. بخاطر اذیت و آزاری که از طرف مسئولین کارخانه چغندر نکند دیده‌ایم."
(اطلاعات - ۲۹ مرداد)

از ادعا تا واقعیت

جمهوری اسلامی و قیحانه مدعی است که در زمینه کشاورزی، قریباً به خودکفایی می‌رسد اما سخنگویان رژیم در مواجبه با بحران گاه ناچار می‌شوند گوشه‌هایی از واقعیت را آشکار سازند. یکی از نمایندگان ایجاد فاجعه‌ای را که گریبانگیر روستاهای ایران است، با کمک آمار و ارقام چنین توصیف می‌کند:

"در سال ۶۲ کشاورزی ما وضع اسفناکی داشت ۰ ما از نظر سطح کشت نسبت به سال قبل در مورد تولید گندم ۱۳ درصد، جو ۵/۵ درصد، توتون ۱۶ درصد و پیاز ۲۳ درصد کاهش تولید داشتیم و از نظر عملکرد و برداشت در هکتار محصولات عمده زراعی از ۳/۵ درصد تا ۱۷/۸ درصد کاهش داشته و اساساً تاکنون هیچ گونه برنامه ریزی برای افزایش سطح کشت و برداشت در هکتار نشده است."
(اطلاعات - اول شهریور ماه)

نرخ تورم، بادور و روایت

نادی نماینده نجف آباد در مجلس :
"آقایان می‌فرمایند تورم از ۲۲ درصد سال ۶۰، به ۱۷/۵ درصد سال ۶۲ کاهش یافته و لیکن باید بدانیم آنچه سالهای گذشته افزایش قیمت داشتیم، حفظ شده به اضافه سال بعد. یعنی از سال ۵۹ تا ۶۲ حدود ۸۲ درصد تورم یا افزایش قیمت داشته‌ایم و عامل آن چیزی نبوده جز تزریق پول در جامعه و میلیو نرو میلیاردر کردن افراد بخصوصی."
(اطلاعات - اول شهریور)

بلاهت نمونه‌وار

گوشه‌هایی از سخنان طاهری خرم‌آبادی یکی از نمایندگان "شاعر مسلک" مجلس در تالیف دولت :

"من اینقدر فکر کوتاه است که دل‌م می‌خواست این رای اعتماد هیات دولت، یک سالی طول می‌کشید ۰۰۰"

بست بازاید از آن در که یکی چون تود آید روی میمون تودیدند، درد ولت بگشاید (؟) ۰۰۰ تاریخ اسلام به جان امام، مجلس به

این وحدت و به این شکل و به این داسوزی به یاد ندارد. اینچو در حالت جنگ پنج استان ما زبرگبارها و آتش‌های دشمن راجع به کابینه از تریبون آزاد، آزاد، آزاد صحبت نمایند (؟) بنا

براین ۰۰۰ نشاندن و صهیونیسم عو عو کند هر کسی بر طینت خود می‌کند (؟)

اگر مجلس بدون مخالف و موافق رای بدهد همین بیگانگان بی‌بی‌سی و فرستنده‌ها می‌گویند در ایران اختناق است ۰۰۰ ما به ساز

بیگانگان که نمی‌رقصیم! صلاح چرا برقصیم که به ساز برقصیم؟! (!!)

۰۰۰ علت اصلی موافقت حقیرند و دولت بود. يك بعد سیاسی دارد برای خودم و عقل (!) خودم، کسی دیکته نکردم يك بعد روانی دارد. برای خودم ۰ بعد سیاسی آن، خودم را از وقتی

شناختم ۰۰۰ رنج می‌بردم از شاه ۰۰۰ اینها جزویزیگی و ذات من شده، حالا اشتباه است، درست می‌شود ۰۰۰ اما پیشروانی من این است معتقدم عملکرد آقایان (وزرا) صد درصد به روش سابق باشد خودشان هم احساس خستگی خواهند نمود ۰۰۰ اگر دولت تنگ اسب را محکم نبندد و مجلس دنبالش نباشد، تغذیه کامل هم او را نکند، مسایل را حل نکند، دیری نمی‌گذرد که مجلس و دولت برای ملت می‌آید زیر سؤال و آن وقت بادم شیرازی کردن بسیار کارمشکلی است ۰۰۰"
(کیهان - ۲۴ مرداد)

حقوق و مزایای سفیران

رضوی نماینده مجلس :
"سه هزار دلار حقوق سفرای مادرخارج است ۰ چرادر آن ۰۰۰ البته تنگ نظری نمی‌کنم. سفیرم، تواند در هر ۴ سال يك بنزوارد کشور کند و در هر ماه موبیتی که می‌خواهد بیايد، و سایل تمام يك منزل را بیاورد."
(کیهان - ۲۴ مرداد)

"جهل الرجال"

عزیزحجتی نماینده مجلس :
"ما الحمد لله با حفظ الرجال مواجبه نیستیم، ممکن است جهل الرجال داشته باشیم."
(کیهان - ۲۳ مرداد)

ارقام گویا

آمارزبرکه از جانب یکی از نمایندگان مجلس در جلسات رای اعتماد ارایه شده، به روشنی منعکس‌کننده وضع آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی است :

دانش‌آموزان دوره متوسطه در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ - ۸۹۶ هزار نفر بوده‌اند و در سال ۶۲ - ۶۱ - ۸۵۰ هزار نفر!

تعداد دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای در سال ۵۸ - ۵۷ - ۲۵۶ هزار نفر بوده‌اند و در سال ۶۲ - ۶۱ - ۱۲۷ هزار نفر!

تعداد دانش‌آموزان در رشته ریاضی - فیزیک در سال ۵۶ - ۱۷ درصد کل دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهد و در سال ۶۲ - ۶۱ فقط ۵ درصد! (کیهان - ۲۶ مرداد)

اعتراف

حجت الاسلام برهانی :
"کم‌کم احتمال آن می‌رود که معدومین رژیم طاغوتی از آستین و ارثان باقی مانده شان زنده شوند و مابقی اموال بجا مانده را طلب کنند و حتی پول خون هم مطالبه کنند ۰۰۰ حتی وارثان بجا مانده از طواغیت تاسف خورند و انگشت پسر دهان بگیرند که اگر معدومین مادر همان او ایستل انقلاب به پرونده شان رسیدگی نمی‌شد و یا اگر می‌توانستند از مرز بازگان و یا از مرزهای دیگر خارج شوند، امروز به خوبی می‌توانستند برگردند

و چه برگشتنی، که دعوت نامه عمومی از رسانه‌های گروهی و رسانه فدایت شوم برایشان فرستاده می‌شود ۰"
(آزادگان - ۲۹ مرداد)

زیر هزار قیغه خنجر

بقیه از صفحه ۷

در قاموس اوین " تا اطلاع ثانوی " می گویند. این عنوان طنزآمیز را از آن روز زندانیان به هم زنجیران مقاوم خود اطلاق می کنند که بنا بر حکم دادستانی " زندانیانی که دوره محکومیتشان تمام شده ولی توبیخ نشده اند و مسلم است که بعد از آزادی فعالیتشان را از سر خواهند گرفت ، باید تا " اطلاع ثانوی " در زندان باقی بمانند . " تا " اطلاع ثانوی " بودن اختصار زندانیان " روی موضع " است .

مدتی است که برخی از اعضای دبیر و مقام سازمان ماسه سبیل استقامت در اوین و شاخص افراد " روی موضع " محسوب می شوند - در بند های عمومی و یادر " حسینیه " به چشم نمی خورند . دژخیمان یا آنان را به جوخه اعدام سپرده اند و یا این که در سلولهای انفرادی ، به بند کشیده اند .

شهامت، شهامت می آورد

مقاومت یک انقلابی در برابر دژخیمان و آوازه این پایداری در زندان ، به مثابه مشعلی است که به زوایای تاریک سلولهای اسارتگاه نیز نور گرمی می بخشد . شهامت و مقاومت ، نیرویی است که سریعاً در میان جمع القا شده و شهامتها و مقامتهای دیگری را به دنبال می آورد . حماسه های پایداری یک انقلابی ، دهان به دهان می گردد و خط سرخی را که در میان خلق و ضد خلق و انقلاب و ضد انقلاب کشیده شده ، پرنگتر و قاطع تر ترسیم می کند . حول این حماسه ها است که در مخوفترین زندانها نیز حرکت پدید می آید و پرچم رزم در همانجا می بینند که جلادان خود در اینکه تازه میدان می بینند برافراشته می گردد .

اسطوره های مقاومت در اوین بی شمارند جلادان بسیاری از آنان را به خاک افکنده اند ، اما صدای رگبار جوخه هلی اعدام که بر تمام آدمخواران اوین منادی نابودی آنان است در گوش زندانیان و همه خلق ، اعلام جادوانگی نام و یاد آنهاست . بسیاری دیگر از این دلوران اکنون در اوین و دیگر کشتارگاههای رژیم چون کوه ایستاده اند و جلادان مذبح خانه تلاش می کنند تا آنان را بشکنند .

اعدام ، انفرانظامیان تودهای در ۶ اسفند سال گذشته ، اوین را تکان داد . سه ساعت قبل از اعدام ، آنان را به " حسینیه " آوردند . ۳۰۰ نفر از زندانیان " روی موضع " توده ای ، فدایی ، و گروههای مبارز دیگر و نیز ۷۰ نفر از توابعین و نگهبانان زندان را نیز در سالن جمع کردند . نظامیان حزبی بار دیگر دلاورانه بر این نکته که در راه خلق گام برمی داشته اند و تنها برای بهروزی ملت و اعتلای انقلاب فعالیت می کرده اند ، تاکید کردند . در میان آنسان انگشتهایشان را به علامت پیروزی بلند کردند و زندانیان " روی موضع " نیز با همین علامت بدانها پاسخ گفتند .

★ حول حماسه های مقاومت است که در مخوفترین زندانها نیز حرکت پدید می آید و پرچم رزم ، در همانجا می بینند ، جلادان خود در اینکه تازه میدان می بینند برافراشته می گردد .

بعد از این که آنان را بردند باشا را به لاجوردی ، عده ای از توابعین به سوی زندانیان " روی موضع " حمله و رشده و از آنسان خواستند که پشت تریبون بروند و ابراز اندامت کنند . هیچ کس به این کار تن نداد . خوشنونت بالا گرفت . رفقا به سختی کتک خوردند . لاجوردی جلاد با دست افراد خاصی را نشان می داد و توابعین و نگهبانان ، آنها را با شدت بیشتری

می زدند . زندانیان " روی موضع " خون سردی خود را حفظ کردند ، در غیر این صورت احتمال کشته شدن عده ای می رفت . لاجوردی می خواست زندانیان " روی موضع " دست به مقاومت فیزیکی بزنند تا هم آنجا برخی از آنها به قتل برسند و یا بعد از اتهام شورش در زندان ، به جوخه اعدام سپرده شوند .

داستان مقاومت رفقا در سراسر اوین پخش شد و شور و شعفی مانند ای ایجاد کرد . لاجوردی به دنبال شکست این نقشه تئوفسی که خود او طراحی کرده بود ، از این جریان اظهار تاسف نمود و وانمود کرد که در آن ، دخالتی نداشته است !

در جلسه بعدی " حسینیه " وقتی که خبر اعدام نظامیان دلاور توده ای ، اعلام شد زنان زندانی آشکارا به شیون و زاری پرداختند ، مردان از خشم دندان بهم فشرده اند ، اشک در چشم همه زندانیان مبارز حلقه زد و کینه نسبت به این رژیم خون آشام مشت همه آنان را گرم ساخت . چنان جوی برسالن حاکم شده که لاجوردی نیز مات و مبهوت گشت . حتی توابعین نیز بسا سردی به شعارهای ضد توده ای پاسخ گفتند . زندانیان گروههایی که اساس وجودیشان را مبارزه با حزب توده ایران تشکیل می دهد نیز از همراهی با این شعارهای ارتجاعی مطلقاً خودداری کردند . بعد از این جریان روابط آنان با زندانیان توده ای و فدایی بهبود پیدا کرد .

★★★

همپای گسترش حرکات اعتراضی خلقی ، مقاومت در زندانها و ج می گیرد و هر روز خصلت جمعی تری می یابد ، بر ماست که حماسه های یاران در بندمان را با تمام توان به گوش توده های خلق برسانیم و صدای اعتراضمان را در ابعاد ملی و جهانی ، در پشتیبانی از آنها و علی - ددمنشی های ارتجاع حاکم ، رساتر سازیم .

ساواک جمهوری اسلامی ، عاقبتی به مراتب سیاهتر از ساواک شاهنشاهی خواهد داشت

بقیه از صفحه اول

او سپرده شد و حال با رای مجلس به لحاظ تشریفات قانونی ، رسمیت پیدا کرد .

تنها تذکری که در مجلس در رابطه با ری شهری داده شد و در جراید انعکاس پیدا کرد تذکر نماینده ای بود که خواست منتظری نیز همچون مشکینی حکم اجتهاد او را تأیید کند [بقیه نمایندگان فقط از ری شهری تحریف و تمجید کردند و در مورد خیرگی او در کارهای اطلاعاتی داد سخن دادند] انتقاد از ری شهری در مجلس از یک نظر طبیعی می نماید : ری شهری ثابت کرده است که به همه اهداف تولید کلیت رژیم جمهوری اسلامی جامه عمل خواهد پوشاند . اما علت اصلی آن که بر سر تصاحب مقام سرپرستی ارگان حساسی همچون وزارت اطلاعات بین جناحهای مختلف درگیری علنی پیش نیامد ، آن است که ری شهری از مدت ها پیش به این مقام گمارده شده و به نمایندگان تذکر داده شده کسه ؛

صحبت در باره وزارت اطلاعات موقوف [در غیر این صورت پرونده اطلاعاتیتان خراب خواهد شد] جمهوری اسلامی تا کنون دارای چندین ارگان جاسوسی و اطلاعاتی بوده است که هم اکنون نیز به قول رفسنجانی بعضاً " همگی دنبال یک مساله اطلاعاتی می روند و گاهی با هم برخورد می کنند و ... حتی بروی هم تیراندازی هم می نمایند " (جمهوری اسلامی - ۲۵ مرداد) مهمترین و کارگشته ترین کادرهای این ارگانها عوامل ساواک می باشند . بخشی از ساواک زیر نظر ارتشید فردوست با سازی شد و در خدمت جمهوری اسلامی قرار گرفت . رژیم از مدت ها پیش در صدد بر آمد که ارگانهای مختلف اطلاعاتی را در هم ادغام کند و یک نهاد جاسوسی یکپارچه و منضبط به وجود آورد . به همین منظور بود که طرح وزارت اطلاعات تهیه شد و بلافاصله ارکسان تشکیلاتی آن مهیا گردید . ایجاد هماهنگی بین

ارگانهای مختلف جاسوسی و سرپرستی وزارت اطلاعات در شرایطی که پایه های رژیم بر روی آب قرار دارند ، کار آخوندی نیست که به قول رفسنجانی " ۲۰ سال درس خوانده و کتاب جواهر را خوب می فهمد " (همانجا) دانستن آداب طهارت انواع و اقسام صیغه و جزئیات سهیبات و شکیات حتی تا حد اجتهاد ، به درد سرپرستی یک دستگاه خبرچینی نمی خورد . برای سازمان دادن به این چنین ارگانی دوره دیده های سیال لازم است و انگشت تدبیر کارهای اسلام آورده ساواک .

در این وزارتخانه کاری شهری آن خواهد بود که اعمال پلیس عوامل سیا و مشتی جیره خواه جنایتکار را تطهیر شرمی کند و آندم که باند های خونخوار این وزارتخانه را برای سرکوب انقلابیون گسیل می دارد ، آنان را از زیر قرآن بگذراند . ساواک جمهوری اسلامی عاقبتی به مراتب سیاهتر از ساواک شاهنشاهی خواهد داشت . مردم این بار در رابطه با خبرچیتان و سرکوبگران کاری خواهند کرد کارستان ! به امید آن روز .

راهپیمائی و جشن نیروهای صلح دوست در لس آنجلس



در خیابانهای شلوغ و مراکز خرید، در نزدیکی محل فروش بلیطاینها و غیره ۰۰۰ همیشه عده‌ای با پوستر و اعلامیه برنامه ۵ اوت حاضر بودند و شرکت کنندگان در المپیک را از این برنامه با خبر می‌ساختند. از طرف دیگر، بازنه‌ای المپیک با سالگرد بمباران اتنی هیروشیما (۱۶ اوت - ۱۹۴۵) نیز همزمان شده بود و به همین دلیل یکی

این مراسم باشکوه و تاریخی در روز یکشنبه ۵ اوت و بعد از ۶ ماه تدارک و برنامه ریزی تحت عنوان "روزقا"، با شرکت بیش از ۵۰۰ نفر از مردم لس آنجلس، تو رستها، سازمانهای مترقی سیاسی، مذهبی و مردمی، به همراه عده بسیاری از ایشخصیتهای مترقی آمریکایی و نمایندگان سازمانهای صلح بعضی دیگر از کشورهای جهان برگزار شد.

موضوع اصلی برنامه راصلح، جلوگیری از جنگ هسته ای، مخالفت با هر نوع جنگ و بیاد داشتن فاجعه دردناک هیروشیما و ناکاراکی مخالفت با سیاستهای جنگ افروزانه دولت آمریکا لانتین و خاورمیانه و شرق دور، و خواست اختصاص دادن بودجه های نظامی به مصارف انسانی تشکیل می داد. این خواستها به زبانهای مختلف روی اعلامیه ها و پیراهنهای تهیه شده از طرف کمیته برگزاری، از جمله به زبان فارسی ("بودجه برای مصارف انسانی، نه برای جنگ") چاپ شده بود. در طول برنامه نیز به زبانهای مختلف گفته می شد که مردم این یا آن کشور در راه صلح مبارزه می کنند.

نکته بارز در مورد این برنامه همزمانی آن با بازیهای المپیک لس آنجلس بود. کمیته برگزار کننده دست به اجرای برنامه های متنوع تبلیغی بخاطر این همزمانی زد. در محل، برگزاری بازیهای

در راه پیمایی و اجرای این برنامه شرکت کرد. در طول برنامه با برگزاری نمایشگاه عکس در مورد جنگ ایران و عراق، میز کتاب به همراه آثار و لباسهای محلی ایرانی و کارهای دستی توزیع عده بسیاری یادی رابه خود جلب نمود. تعداد زیادی اعلامیه بر علیه دخالتهای آمریکا در بنبرد خلیج فارس و مطالبه پایان جنگ و شروع بدون قید و شرط مذاکرات پخش شد. تعداد زیادی امضای برای پایان دادن به جنگ و مداخلات آمریکا و سایر کشورهای ناتو در امور کشورهای منطقه و همچنین خواست تبدیل اقیانوس هند و خلیج فارس به منطقه صلح جمع آوری شد. مجموعه برنامه و شرکت رفقای مادر طول آن: نظر تبلیغی - سیاسی بسیار موفقیت آمیز بود.

از یازمانندگان این فاجعه، مشعلی رانه شهردار هیرو شیما روشن کرده بود از آن شهر به لس آنجلس آورده و در طول برنامه ۵ اوت در جلوی صف شرکت کنندگان حمل می کرد و سپس به کمک آن، مشعل بزرگتری را در محل اجرای برنامه فستیوال روشن کرد. مشعلی که برخلاف مشعل المپیک لس آنجلس - که مفهومی تجارتي رابه جای مفهوم واقعی مشعل المپیک عرضه کرد - نمایانگر خواستهای میلیونها انسان صلح طلب و آزادیخواه در جهان بود. این مراسم - بویژه استفاده از مشعل - خوشبختانه مورد استقبال مطبوعات و رادیو و تلو یزیون قرار گرفت. سازمان مابه همراه کمیته همبستگی با خلقهای ایران (در جنوب کالیفرنیا) بطور وسیعی

دارند، تا آنها از مبارزه مشترک باز داشته شوند. در اجرای این روش رذیلانه و به دنبال اخذ ای ازنده ای از روستاییان، مرز چراگاههای روستای هم جو ار لاله دان و گون لورا جابجا کردند. تشنجاتی که در پی این اقدام در روستا بوجود آمد با سکوت رضامندان مامورین دولتی و انتظامی روبرو گردید.

● دولت با ایجاد تفاوت میان سهمیه کوپن روستایی و شهری، روستاییان را ناچار کرد که برای تامین مایحتاج اولیه پیش از دیگران به بازار سیاه متکی شوند. برای روستاییان پرداخت بهای سرسام آور اجناس در بازار سیاه، کمر شکن است. گروهی از دهقانان و رامین در اعتراض به این وضعیت به شهر آمده و به دنبال بی توجهی مسئولین مدتی در پیکی از مساجد و رامین متحصن گردیدند.

کارگران جنگ شیمیایی را محکوم می کنند

سخنان اخیر رفسنجانی در نماز جمعه مبنی بر اینکه در اجرای "اصل اسلامی قصاص" حکومت ایران آماده است در اقدام مقابل بمبهای شیمیایی بر سر مردم عراق فرو ریزد، یکی دیگر از طرحهای جنایتکارانه حاکمیت جمهوری اسلامی را بر ملا کرده است. اعلام آمادگی حکومت برای کاربرد سلاحهای شیمیایی با نفرت مردم مهین ما روبرو شده

اخباری از میهنمان

بقیه از صفحه ۱۲

اخباری از روستا

رژیم جمهوری اسلامی به جای اجرای وعده هایی که به روستاییان می داد، همه چیز را در اختیار زمینداران و تجار بزرگ قرارداد است. برای روستایی شاه گزیده و خان گزیده، ارتجاع حاکم آفت دیگری شده است. اخبار زیر در ایسن زمینه گویاست:

● در روستاهای سمنان، دولت نه فقط برای تامین آب مزارع تشنه دهقانان کاری نمی کند، حفرچاه رانیز برای دهقانان فقیر به نوع کسره است. در حالیکه بزرگ مالکان به آسانی می توانند دریند و بیت با مقامات حکومتی، تا هر اندازه که می خواهند از منابع آب زیرزمینی استفاده کنند، دهقانان فقیر از آبیاری کشتزارهای خود باز داشته می شوند. در اعتراض به این تصمیم گروهی از دهقانان به شهر آمده و در دسترابر اداره آبیاری سمنان متحصن شدند.

● در رزن همدان کمبود علفه و محدودیت مراتع، نگهداری احشام را برای روستاییان مشکل کرده است. مامورین دولتی به جای کوشش در حل مشکل سعی در تفرقه افکنی میان روستاییان

است. ولی حتی پیش از آنکه رفسنجانی آشکارا بپرد در کند، کارگران صنایع پترو شیمی ایران از احتمال انجام آن مطلع شده بودند. در کارخانه پترو شیمی شیراز کارگران با خبر می شوند که مقامات حکومتی در صددند در این کارخانه مواد مورد نیاز سلاحهای شیمیایی را تولید نمایند. حتی گفته شده بود که این کار در حال اجراست. کارگران از احتما اینک تولیداتشان اینگونه در خدمت اهداف ضد انسانی رژیم قرار گیرد، نگران و خشمگین بوده و بلا وقت سلاح راتعقیب کرده اند.

در همین کارخانه چندی قبل غرضی وزیر نفت به سخنرانی می پردازد. او که برای کارگران حرفی برای گفتن نداشت، تنها بر نیاز حکومت به افزایش تولید تاکید می کرد. آقای وزیر حتی یک کلمه هم در پاسخ مشکلات کارگران سخنی نگفت. اما کارگران یک به یک برخاسته و مطالبات خود را طرح نمودند. آنها از جمله خواستار حقوق بهره وری بودند. مهندس غرضی که هیچ پاسخی در برابر خواسته های برحق کارگران نداشت، به بهانه اینکه هو ا پیمان رفرو دگاه منتظر بازگرداند او به تهران است، خود را از جمع کارگران و از کارخانه بیرون کشیده و می رود.

غرضی در سخنان خود خطاب به کارگران اعلام داشت که دولت به استخدام کارشناسان غربی مشغول است. برخی از این کارشناسان که هم اکنون در ایران به کار مشغول شده اند، ماهانه دو میلیون ریال حقوق می گیرند.



آزمایش موفقیت آمیز موشکهای بالدار در اتحاد شوروی

وزارت دفاع شوروی اعلام کرد، به عنوان اقدام متقابل در برابر استقرار موشکهای آمریکایی "کروز" در اروپای غربی، در حال حاضر در اتحاد شوروی، موشکهای بالدار زمین به زمین با برد بلند در دست آزمایش است.

در بیانیه وزارت دفاع اتحاد شوروی آمده است، این کشور در تلاش به منظور جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در بعد خطرناک و جدید آن، بارها به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرد، درباره منح تولید و استقرار موشکهای بالدار با برد بلند، توافق شود. اما "این پیشنهاد مورد پذیرش دولت آمریکا قرار نگرفت. دولت آمریکا همچنین به هشدار اتحاد شوروی مبنی بر اینکه این کشور تولید موشکهای بالدار از این نوع توسط آمریکا را بی جواب نخواهد گذاشت، توجه نکرد. آمریکا دست اندرکار استقرار دسته دسته موشکهای بالدار برد بلند گردید، و از دسامبر ۱۹۸۳ بدین سو، این نوع موشکهای زمین به زمین را در برخی از کشورهای اروپای غربی مستقر می سازد."

در ادامه بیانیه، که از سوی خبرگزاری شوروی تاس منتشر شد، اعلام گردیده است اتحاد شوروی با هدف تضمین امنیت خود و سایر کشورهای عضو پیمان ورشو، دست به اقدامات متقابل ضروری زده است و "در حال حاضر در اتحاد شوروی موشکهای بالدار زمین به زمین با برد بلند با موفقیت در دست آزمایش است." وزارت دفاع شوروی همچنین افزود: "اتحاد شوروی هر آنچه ضروری است انجام خواهد داد تا محدود ساختن و کاهش واقعی این سلاحها تحقق یابد. اما اگر دولت آمریکا همچنان بدنبال آن باشد که برتری نظامی کسب کند، اتحاد شوروی در آینده نیز ناگزیر خواهد بود اقدامات متقابل انجام دهد تا توازن قوا میان دو کشور و بین پیمان ورشو و ناتو بر هم نخورد."

اعدام مخالفان جنگ در عراق

"کمیته بین المللی همبستگی با مردم عراق" اعلام کرد: حکومت عراق پیوسته شیوه های انتقام گیری خشونت آمیزتری را در مقابل شهروندان و نظامیان مخالف جنگ به کار می بندد. در فرآیند این کمیته آمده است بین دسامبر ۱۹۸۳ و فوریه ۱۹۸۴ مرگ ۶۷۰ زندانی سیاسی توسط ارگانهای حکومتی عراق به اطلاع خانواده های آنان رسید. این زندانیان، بر اثر آزار و شکنجه شدید، به قتل رسیدند. هم چنین گزارشهایی حاکی از آن است که رژیم عراق جوخه های

آتش ویژه کشتار نظامیان مخالف جنگ تشکیل داده است. شهروندان را مجبور می سازند تا در مراسم علنی تیر باران شرکت جویند.

در روزهای ششم، هفتم و هشتم مارس، ۶۰ سرباز یک پادگان در سلیمانیه به جوخه آتش سپرده شدند. همچنین در حله، المحول، نجف کربلا و خانقین بیش از صد نفر اعدام گردیده اند.

کمیته بین المللی همبستگی با مردم عراق این اقدامات را که نقض حقوق بشر است محکوم کرده و از همه سازمانها و اتحادیه های ملی و بین المللی خواسته است علیه این جنایات اعتراض نموده و همبستگی با مردم عراق را تقویت کنند.

اعتصاب در ۱۹ بندر بریتانیا

کارگران ۱۹ بندر از مهمترین بنادر بریتانیا دست به اعتصاب زدند. آنها اعتصاب خود را از روز جمعه ۲۴ اوت به منظور اعلام همبستگی با معدنچیان بریتانیا، که شش ماه است در اعتصاب به سر می برند، نخست در ۱۲ بندر مهم اسکاتلند و سپس در بندر لیپویل، لندن و هال، آغاز کردند.

در سایر بنادر، از جمله در بندر "دور"، تصمیم در باره اعتصاب در طول این هفته گرفته خواهد شد. این دومین بار در عرض دو ماه است که کارگران بنادر بریتانیا دست به اعتصاب میزنند. از سوی دیگر، تا کنون ۱۴ رهبر سندیکا از دولت بریتانیا خواسته اند با اتحادیه معدنچیان وارد مذاکره شود. کارگران معدن، علیه برنامه تعطیل ۲۰ معدن و اخراج ۲۰ هزار کارگر مبارزه می کنند.

نیکاراگوئه: یک هواپیمای ضد انقلابیون سرنگون شد

روز سه شنبه ۱۲ اوت، وزارت دفاع نیکاراگوئه اعلام کرد: یک واحد پدافند هوایی نیکاراگوئه هواپیمایی از نوع "سی ۴۷" را که برای باندهای ضد انقلابی مهمات و تجهیزات دیگر حمل می نمود، سرنگون ساخت. این هواپیمای که از خاک هند و راس برخاسته و به حریم هوایی نیکاراگوئه تجاوز کرده بود، در نزدیکی شهر "کوئیلالی" در استان شمالی "نوواسکویا" هدف آتش پدافند هوایی قرار گرفت. همچنین ۳۶ ضد انقلابی طی درگیری با ارتش خلقی ساندنیست به هلاکت رسیدند. دو ضد انقلابی و چهار تن از همدستان آنان اسیر شدند. تلفات ارتش ساندنیست، چهار نفر بود.

از سوی دیگر، سه حزب دست راستی در نیکاراگوئه، بنا به تصمیم شورای ملی اجتناب سیاسی این کشور و طبق قانون احزاب، رسمیت خود را به عنوان حزب از دست دادند.

توماس پورخه، وزیر کشور نیکاراگوئه، طی نطقی بمناسبت پنجمین سالگرد تاسیس سرویس امنیت دولتی در ماناگوا، اظهار داشت تحریم انتخابات توسط احزاب نامبرده، در چارچوب استراتژی آمریکا قابل بررسی است.

یورش وسیع به خلق کرد و ...

بقیه از صفحه ۳

پشت سردارند، توانسته اند مجموعه عملیات تسی را که با آغاز فصل گرما از جانب نیروهای سرکویگر رژیم در پیش گرفته شد، تا کام گذاشته و ضربات سختی را به آنان وارد سازند.

عدم موفقیت این عملیات همچنان که در شماره های پیشین "اکثرت" متذکر شدیم ماشین جنگی رژیم را دم هارتری سازد و سرکویگران را به سمت بهره گیری هر چه وسیع تر از تاکتیک ضد خلقی و حیوانی "زمین سوخته" که ثمره تجربیات امپریالیسم دره خاک و خون کشیدن خلقهای به پا خاسته مسلح است. سبق می دهد. در همین رابطه است که رژیم بویژه در اطراف سردشت که برای نیروهای پیشمرگ یک نقطه استراتژیک محسوب می شود روستایان بسیاری را به زور اسلحه و اداوار به ترک روستاهای خود ساخته و با توپ و خمپاره کلبه های گلین آنها را با خاک یکسان می سازد. این اقدام وحشیانه، کینه انقلابی خلق کرد نسبت به رژیم را بیش از پیش شعله و رساخته و دستهای پیته بسته بیستری را برای برداشتن سلاح و شلیک به سوی سرکویگران خلق، دا و طلب خواهد ساخت.

جنبش خلق کرد آنچنان توانمند است که رژیم جمهوری ایلامی برای به خاک و خون کشیدن آن، ماشین جنگی خود را کافی ندانسته و از برادر "ناتویی" خود ترکیه نیز کمک طلبیده است. همزمان با حمله گسترده اخیر رژیم به نیروهای پیشمرگ، بنا بر یک توافق قبلی که در جریان سفر اخیر ولایتی، وزیر امور خارجه به ترکیه و استنادارستان وان ترکیه بسته آذربایجان غربی صورت گرفت، یک لشکر ۴۰۰ نفره از نیروهای ویژه نظامی ترکیه نیز، هم به قصد سرکوب خلق کرد در ترکیه و هم منظور یاری رساندن به جمهوری اسلامی، دست به حمله گسترده ای در "دیار بکر" زد و تا ۲۲ کیلومتر در خاک ایران و ۱۴ کیلومتر در خاک عراق پیشروی کرد. رژیم حاکم بر ایران چنان کینه و وحشیانه ای از خلق کرد به دل گرفته است که می توان گفت عملاً با عراق نیز در سرکوب این خلق، به توافق رسیده است. این توافق عملی با وساطت ترکیه صورت گرفته که همزمان، در تعقیب پیشمرگان کرد، به خاک هر دو کشور وارد شده است.

در حالی که یورش به خلق کرد با چنین ابعاد وسیعی صورت می گیرد، سخنگوی قرارگاه حمزه سه هفته پیش اعلام داشت که "هرگاه مقتضی بدانیم و بپذیریم که دیگر، گروهکها به آغوش اسلام باز نمی گردند (!) عملیات وسیع خود را در کردستان شروع خواهیم کرد" (کیران - ۱۵ مرداد) پاسخ خلق کرد به این لافزنی هسای وقیحانه این است که اگر تمام ماشین جنگیتان را در کردستان مستقر کنید و ارتش ناتویی ترکیه رانیسز به یاری بخواهید، باز هم نخواهید توانست مشعل برافروخته جنبش را خاموش سازید!



جنايات بی حدود

هیچ روزی نمی شود که گروهی از فرزندان خلق در زندانهای مخوف رژیم به شهادت نرسند. تنهاد رشیراز در طول يك ماه ۵۰ نفره جوخهها اعدام سپرده شدند. شکل اعدام هشت تن از این رزمندگان راه پهلوی مردم، بخایست جنایتکارانه بود. آنها را با گرفتن خون و کاردرد و سایل خفه کننده به شهادت رساندند. اجساد این قربانیان بهیچ وجه قابل شناسایی نبودند. در زیرگلی آنها نیز جای زخم وجود داشت.

جنبش کارگری در ستن با مرتجعین

مبارزات کارگران علیه سیاست ضد کارگری و ضد مردمی حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی رو به گسترش است. طبقه کارگر که نقش اصلی را در سرنگونی رژیم سرسپرده شاه و تاراندن کلان سرمایه داران غارتگر داشت، نظاره گسر خاموش خیانت مرتجعین حاکم نموده است. کارگران که هر روز بیشتر از پیش به ضد مردمی بودن سیاستها و عملکرد حاکمیت آگاهی می یابند، نمون ابراز انزجار نسبت به آن، در راه کسب حقوق صنفی خود از قبیل افزایش دستمزد، مسق تشکل، حق بهره وری، طرح طبقه بندی مشاغل، تامین مسکن کارگری، امنیت شغلی، ایمنی کار... مبارزه می نمایند. آنها در این راه علاوه بر سلاح نیرو مند اعتصاب، اشکال متنوع دیگری را هم به کار می گیرند. از میان جموع کارکنان کارگری رسیده، فشرده ای از چند حرکت کارگری را ذکر می کنیم:

★ در کارخانه جنرال صنعتی، اعتصاب کارکنان برای دریافت حق بهره وری و دستمزد ایام مرخصی پس از سه روز با موفقیت به پایان می رسد.

★ کارگران کارخانه ارج برای تغییر ساعت شیفت کار دست به اعتصاب زدند. از سوی مدیریت هشت تن از کارگران مبارز احراج شد و ولی بسا وجود این کارگران مقاومت کردند و بالاخره به پیروزی رسیدند. مبارزه کارگران این کارخانه برای دریافت سه میه شان از تولید همچنان ادامه دارد. سهمیه کارگران به دستور وزیر کار احمد توکلی قطع شده بود.

★ اخراج کارگران توسط مدیریت کارخانه لوله سازی (واقع در جاده ساوه) و فساد حاکم بر این واحد تولیدی به و انکش خشمگین کارگران منجر می شود. کارگران مدیر کارخانه را بیرون می کنند.

★ در کارخانه تولید پرس هیدرولیک، مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد تا کنون به نتیجه

نرسیده است. فقدان سازماندهی مناسب در کار مبارزه شان خلل وارد کرده است. ★ کارگران کارخانه بنزخا و ره دستور رسمی دولت مبنی بر عدم تعطیل روز اول ماه مسه توجهی نکردند. بعد از ظهر این روز عملا کارخانه تعطیل شده بود.

★ در شیراز کارگران کارخانه کاشی سعدی، با پیگیری موفق می شو ند علی رغم منهداره کار، مدیریت را و اداریه پذیرش افزایش دستمزد نمایند. ★ مبارزه کارگران و احد تولیدی جامکو برای دریافت عیدی و نیز پاداش تولید به نتیجه انجامید. کارگران این واحد، اعتراض بیکارچه خود را، از جمله به شکل " قاشق زنی " بیان می داشتند.

★ در کربان تایر مبارزه متمد کارگران به افزایش سطح دستمزد انجامید.

★ اقدامات ضد کارگری مدیریت کارخانه چیت سازی تهران و از جمله اخراج سه تن از کارگران و انکش خشمگینی برمی انگیزد. در نتیجه آن مدیریت کارخانه توسط کارگران اخراجی و با همراهی دیگر کارگران، مذبوب و در بیمارستان بستری می شود.

★ در ایران سیلند رکه اخیرا به بخش خصوصی واگذار شد، تصمیم کارفرما مبنی بر سه شیفته شدن کار، با مخالفت کارگران مواجه گشته و معلسق می ماند.

★ در واحد تولیدی بوتان مدیریت تصمیم می گیرد که حق اضافه کاری را کاهش دهد. مقاومت یکپارچه کارگران مدیریت را به عقب نشینی واداشته و طرح عقیم می مانسد.

★ به دنبال مبارزات کارگران کارخانه چیت ممتاز، مسؤلین بنا گیر پذیرفتند، تا طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه اجرا شود. در پی آن کارگران برای گزینش نمایندگان خود برای شرکت در کمیته اجرای این طرح، تشکیل جلسه دادند. در مقابل کاندیداهای مورد حمایت انجمن اسلامی، و د کارگری که عضو شورای سابق کارخانه بودند، نیز کاندیداشدند. شورای کارخانه بخاطر دفاع از منافع کارگران قبلا توسط مسؤلین منحل شده بود. نتیجه انتخابات در حقیقت حکم محکومیت مسؤلینی بود که شورارا منحل کرد. میبود.

کارگران یارای قاطع، د و عضو شورای منحل شده را به نمایندگی برگزیدند. در حالیکه تعداد آراء انتخاب شدگان ۱۶۰۰ و ۱۴۰۰ بود، کاندیدای انجمن اسلامی تنها ۶۰ رای می آورد!

★ در کارخانه دن باکستر (که فرآورده های تزریقی تولید می کند) باز دید یکی از مقامات سازمان صنایع ملی ایران، فرصتی شد تا کارگران مطالبات خود را بیکار دیگر طرح نمایند. کارگران با برپایی اجتماعي مقام مذکور را ناگزیری کنند با آنها به گفتگو بنشینند. کارگران خواستار افزایش سطح دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بودند. در برابر بر فشا رهای کارگران مقام فوق می پذیرد که دستمزد کارگران تا ۳۰ درصد افزایش

یابد. اما اجرای آن و همچنین اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را موقوف به باز دید هیات ملی کارشناسان از کارخانه می کند. چندی بعد کارشناسان سازمان صنایع ملی به کارخانه می آیند. اما به جای گفتگو با کارگران تنها با مدبران کارخانه تماس می گیرند. کارگران بیکار دیگر گرد آمده و به سرعت از میان خود نمایندگان را برمی گزینند. نمایندگان که از حمایت کارگران برخوردار بودند هیئت راناجاریه مذاکره و پذیرش خواسته های خود می نمایند. اگرچه هنوز قول مسؤلین اجرا نشده است ولی کارگران مصمم هستند عقب نشسته و مبارزه را دنبال کنند. بقیه در صفحه ۱۰

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید!

کمهای مالی رسیده

رفیق مصطفی	۱۰۰۰ دلار
رفیق افغانی	۱۰۰ روپیه
رفقای جنوب فرانسه	۵۲۰ فرانک
رفیق بهمن (برهن)	۵۰ مارک
از محل هدایای عروسی	
درلس آنجلس	۳۰۰ دلار
عباس از پاکستان	۱۵۰ روپیه

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را رفقای فدایی در شهریور نا (هند وستان)

تأمین کردند

AKSARIYAT NO22 FRIDAY, 31 AUGUST 84

آدرس آلمان فدرال
Address POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 88158
LOS ANGELES, CA 90088
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!